

جرم شناسی جنایات بین المللی با تعیین حدود مسئولیت کیفری رهبران سیاسی و تأمین کنندگان لجستیک نظامی آن در جنگ اسرائیل علیه فلسطین (۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی)

سیدمحمد رضا موسوی فرد^۱ | فاطمه محتشم سیفی^{۲*}

چکیده

امروزه شناخت مسئولیت کیفری برای دولت‌ها در وضع کنونی نظام بین الملل امکانپذیر نیست. با در نظر گرفتن این مسئله می‌توان گفت حفظ صلح و امنیت بین المللی نیز یکی از مسئولیت‌های تعریف شده دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل می‌باشد که در منشور سازمان ملل را پذیرفته و امضاء کرده‌اند. با چنین تفسیری امروزه شاهد این قضیه هستیم که علیرغم اینکه در جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بین فلسطین و اسرائیل به استناد اسناد بین المللی رژیم صهیونیستی مرتکب جنایات جنگی شده است متأسفانه برخی دولت‌ها در راستای منافع سیاسی به وی انواع اقسام کمک‌های تسلیحاتی داشته و دارند با این وضعیت می‌توان سراغ مسئولیت کیفری رهبران سیاسی کشورهای حامی آن رفت. در این جستار پژوهشی با رویکرد توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی بدین سؤال هستیم بنابراین بر اساس آموزه‌های جرم شناسی جنایات بین المللی تعیین حدود مسئولیت کیفری رهبران سیاسی و تأمین کنندگان لجستیک نظامی متهمان (جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳) علیه غیر نظامیان امکانپذیر است یا خیر؟ نتایج بررسی‌ها بیانگر این است که پاسخ مثبت می‌باشد و می‌توان براساس اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی رم در مصادیق ذیل ماده (۷) و (۸) به بعد، مضافاً ظرفیت‌های اقدامات مجرمانه مشترک میراث دادگاه تادیب و همچنین استفاده از ظرفیت‌های عدالت انتقالی امکان سنجی تعقیب بین المللی این رهبران و مشارکت کنندگان در تجهیز رژیم اسرائیل علیه فلسطین در دستور کار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جنایات بین المللی، جنایت جنگی، مسئولیت کیفری، رهبران سیاسی

۳

سال شانزدهم
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۸

صص: ۱۷۷-۱۴۹



۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی اندیشه سیاسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران.

مقدمه

جرم‌شناسی جرائم بین‌المللی در سال‌های اخیر به یک زیرشاخه توسعه یافته تبدیل شده است، زیرا جرم‌شناسان به تدریج علاقه خود را به مطالعه این جنایات نشان داده‌اند. با این حال، این حوزه همچنان با چالش‌هایی مانند فقدان تعریف دقیق و مورد توافق گسترده از «جرائم بین‌المللی» مواجه است. بررسی جرائم بین‌المللی از منظر جرم‌شناسی به چند دلیل حائز اهمیت است. اولاً: این گرایش به تعریف و مفهوم‌سازی واضح‌تر این جنایات کمک می‌کند. ثانیاً: به محققان بینشی در مورد علل و شیوع آنها ارائه می‌دهد. ثالثاً: راهبردهای مقابله با آنها مانند عدالت کیفری بین‌المللی و عدالت انتقالی را ارائه می‌دهد این به توسعه اقدامات پیشگیرانه مؤثر کمک می‌کند. با مدد گرفتن از این اقوال می‌توان چنین مدعی شد جرم‌شناسی جرائم بین‌المللی، حوزه‌ای نوظهور و حیاتی است که هدف آن روشن کردن شدیدترین اشکال جرم و کمک به پیشگیری و واکنش مؤثر آنها است. اینجاست که باید به نقش سازمان‌های بین‌المللی در خصوص این گرایش توجه خاص مبذول داشت؛ سازمان‌های بین‌المللی با فراهم کردن چارچوبی برای همکاری، ایجاد استانداردهای قانونی و تسهیل پاسخگویی، نقش مهمی در تعقیب جنایات بین‌المللی ایفا می‌کنند. این نهادها مانند سازمان ملل متحد و دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)، چارچوب‌های قانونی و معاهداتی را ایجاد می‌کنند که جرائم بین‌المللی را تعریف می‌کنند، صلاحیت قضایی را ایجاد می‌کنند و استانداردهایی را برای پیگرد قانونی تعیین می‌کنند. این سازمان‌ها همکاری بین کشورهای عضو را برای تحقیق و پیگرد جنایات بین‌المللی ترویج می‌کنند. آنها مکانیسم‌هایی را برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات، شواهد و منابع برای تضمین پیگرد مؤثر ارائه می‌دهند. به عقیده ما سازمان‌های بین‌المللی با پاسخگویی مجرمان به خاطر اعمال خود، به حفظ حاکمیت قانون، ترویج عدالت و جلوگیری از جنایات آینده کمک می‌کنند. آنها تضمین می‌کنند که کسانی که مسئول جنایات سنگینی مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت هستند به دست عدالت سپرده می‌شوند. در حوزه بحث حاضر جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی زیرشاخه‌ای از جرم‌شناسی است که بر بررسی افراطی‌ترین اشکال جنایت مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و سایر موارد نقض شدید حقوق بشر (امروزه در جنگ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ میلادی

شاهدیم) تمرکز دارد. با توجه به سیاست‌های اسرائیل در رویکرد گسترش جنگ و بحران به سطح منطقه‌ای اهمیت این مقاله روش می‌گردد. در این جستار پژوهشی با نگاهی توصیفی تحلیلی در عین حال با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی بدین سؤال هستیم علی‌الاصول بر اساس آموزه‌های جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی تعیین حدود مسئولیت کیفری رهبران سیاسی و تأمین کنندگان لجستیک نظامی متهمان (جنگ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴) علیه غیر نظامیان امکانپذیر است یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت: به نظر می‌رسد پاسخ مثبت است می‌تواند بر اساس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رم در مصادیق ذیل ماده (۷) و (۸) به بعد این مسئولیت کیفری بین‌المللی را به رسمیت شناخت در نهایت تعقیب بین‌المللی و مجازات منجر گردد.

۱. مبانی نظری

ظرفیت یا پتانسیلی که می‌تواند چنین اقداماتی را از منظر آموزه‌های کیفری بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار دهد نظریه اقدامات مجرمانه مشترک است. نظریه اقدامات جنایی مشترک شامل ایجاد مسئولیت کیفری فردی از طریق مشارکت فعال در یک طرح مشترک است، همانطور که در مرحله تجدیدنظر دادگاه تادیب بیان شده است. سه موقعیت مجزا این نظریه را تعریف می‌کنند:

- همه شرکت کنندگان دارای قصد مجرمانه یکسانی هستند؛
- داشتن آگاهی از بدرفتاری و قصد پیشرفت طرح مشترک؛
- قصد شرکت در یک شرکت جنایی مشترک با اقدامات جنایی قابل پیش بینی توسط سایر اعضا.

نوعاً اثبات طرح مشترک جنایی و قصد متهم برای پیشبرد این طرح برای هر نوع مسئولیت طراحی مشترک ضروری است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تأکید می‌کند که اقدامات جنایی باید در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی و مطابق با نظریه اعمال جنایی مشترک انجام شود. این نظریه با اصول کلی حقوق کیفری و حقوق بین‌الملل مرسوم مطابقت دارد و افراد را در صورتی که دستور، برنامه ریزی، تحریک یا کمک و مشارکت در اعدام جنایات مرتکب شده توسط دیگران (از مصادیق معاونت) که در قالب این نظریه کیفری مسئول می‌داند.^۱ رأی تجدیدنظر ICTY تادیب (۱۹۹۹) روشن کرده است که برخی از درگیری‌های مسلحانه که معمولاً

1. See: <https://www.icty.org/x/cases/blaskic/tjug/en/bla-tj000303e-2.htm>

به عنوان غیر بین المللی طبقه بندی می شوند، در واقع زمانی که یک دولت یک گروه مسلح غیر دولتی را کنترل می کند، یک ماهیت بین المللی دارند. این شفاف سازی وجود یک نوع فرعی از درگیری های مسلحانه بین المللی را مجدداً تأیید می کند: جنگ های نیابتی (درگیری های نوع اقدامات مشترک تادیب) است. قطعاً شناسایی مفهوم اقدامات مجرمانه مشترک یک ظرفیت جدید را در سطح نظام بین المللی مطرح ساخت؛ مزایای چنین برنامه ای را از منظر حقوق کیفری بین المللی شناسایی کند و اصلاحات و اصلاحات مورد نیاز برای افزایش حمایت از قربانیان و اطمینان از مسئولیت نقض قوانین بین المللی بشردوستانه را در چنین شرایطی پیشنهاد می کند (گال، ۲۰۱۴، ص ۵۹) این حکم "اولین تشخیص گناه یا بی گناهی فردی در رابطه با نقض جدی قوانین بین المللی بشردوستانه توسط یک دادگاه بین المللی است (...). به طور گسترده تر، و به ویژه برای قربانیان درگیری مسلحانه در منطقه پریودور، این حکم نشان دهنده اولین محکومیت قضایی سیاست "پاکسازی قومی" است. بر اساس تبعیض های مذهبی و سیاسی علیه غیر صرب ها مورد حمله قرار گرفتند. علاوه بر این، این اعمال در جریان یک درگیری مسلحانه رخ داده است، به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک به جمعیت غیر نظامی در جهت پیشبرد سیاست علیه غیر نظامیان انجام شده است^۱.

۲. پیشینه تحقیقاتی

- مقاله با موضوع: مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی رتبه سیاسی به قلم نگارنده و دیگر نویسندگان که در سال ۱۳۹۵ در **فصلنامه حقوق کیفری و جرم شناسی** به چاپ رسیده است در آن معتقدند: با در نظر گرفتن خطر این گروه ها برای صلح و امنیت جهانی و ممنوعیت های بین المللی همچنان شاهد حمایت های مادی و معنوی برخی از رهبران (برخی دول منطقه) از پدیده شوم تروریسم هستیم که این وضعیت باعث می شود مسئولیت کیفری متوجه رهبران دولت های حامی بدانیم قابلیت احراز مسئولیت کیفری ایشان و طرح این مسئولیت ذیل عناوین مجرمانه جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری قابل بحث بوده و بر اساس مبانی نظریه نوین تلفیق تقصیر مدیران ارشد و سیاست های شخص حقوقی و همچنین تسری آموزه های اقدامات مجرمانه مشترک و تسری رهیافت بین المللی عدالت انتقالی (مسئولیت کیفری متأخر ناشی از اقدامات بین المللی) رهبران عالی رتبه سیاسی قابل رسیدگی واقعی است.

1. See: <https://www.icty.org/en/press/tadic-case-verdict>

- مقاله با موضوع: نقش رهبران سیاسی اجتماعی در تعدیل سطح کیفرگرایی عمومی؛ مطالعه موردی کیفر مرگ به قلم میرسعیدی و دیگران که در سال ۱۳۹۸ در **مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی** به چاپ رسیده است در آن معتقدند: اگر در سیاست گذاری جنایی سهمی برای افکار عمومی به طور مستقل و مستقیم متصور باشیم، می توان از رسانه ها، گروه های فشار، روابط بین فردی، دولت و رهبران سیاسی اجتماعی به عنوان تاثیرگذارترین عوامل تغییر افکار عمومی و به طور خاص، تمایل عمومی به کیفر یا همان کیفرگرایی عمومی یاد کرد. به رغم اثرگذاری مستقیم رهبران دولت های پیشرو در توسعه عدالت کیفری، در ایران به جهت فقدان بسترهای حقوقی سیاسی لازم و نیز زمینه های تاریخی فرهنگی منحصر به فرد، آنان در اصلاحات کیفری کنشگری فعالانه ای نداشته اند. با این حال در سال های اخیر، رهبران سیاسی اجتماعی ایران توانسته اند با تغییر جهت بنیادین از آسیب های ناشی از عمل مجرمانه مستوجب اعدام به آسیب های کیفر اعدام، سطح تمایل عمومی به کیفر اعدام را تعدیل کنند.

- مقاله با موضوع: امکان سنجی شناسایی مسئولیت کیفری سیاست گذاران (وهابی) و مجریان حقیقی دولت های حامی تروریسم با تأکید بر رویکردهای سیاسی و حقوقی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه به قلم نگارنده که در سال ۱۴۰۰ در **فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی** به چاپ رسیده است در آن آمده است: در خصوص معاونت در اقدامات تروریستی با توجه به عدم شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام بین الملل در این تحقیق به دنبال رویکردهایی جهت شناسایی مسئولیت کیفری رهبران سیاسی دولت های حامی تروریسم با تأکید بر جغرافیای سیاسی خاورمیانه هستیم. دقیقاً در پی آن تحولات در این مقاله مستند به اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می باشد که در آن نقش رهبران کامل محرز و مسلم است.

۳. مفاهیم راهبردی

۳-۱: مسئولیت کیفری رهبران سیاسی

مسئولیت کیفری رهبران سیاسی موضوعی پیچیده و مهم در قلمرو حقوق بین الملل است. رهبران سیاسی می توانند به دلیل دخالت در جنایات، به ویژه جنایاتی که در صلاحیت دادگاه های کیفری بین المللی قرار دارند، پاسخگو باشند. این رهبران می توانند به دلیل مشارکت مستقیم در جنایات یا مسئولیت خود به عنوان اصلی در جنایات بین المللی با اتهاماتی روبرو شوند. مفهوم مسئولیت کیفری برای رهبران سیاسی در آثار دانشگاهی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و

چارچوب‌های قانونی و اصول حاکم بر این حوزه را روشن می‌کند. مطالعات مسئولیت کیفری رهبران ارشد سیاسی و نظامی را به عنوان اصلی‌ترین جنایات بین‌المللی برجسته می‌کند و بر مسئولیت آنها در قبال ارتکاب و مشارکت در اعمال مجرمانه تأکید می‌کند. مؤسسات دانشگاهی مانند دانشگاه دل روزاریو نیز به گفتمان مسئولیت کیفری رهبران سیاسی و نظامی در زمینه جنایات بین‌المللی کمک می‌کنند. افرادی که مناصب دولتی را در اختیار دارند شهروندان عادی بیش نیستند. بنابراین، فعالیت‌های آنها باید به عنوان یک اصل تحت کنترل کامل قضایی باشد. اما در عین حال، سیاستمدارانی که از نظر دموکراتیک مشروعیت دارند، در تصمیم‌گیری خود نیاز به احتیاط دارند. اتهامات سیاستمدارانی که در مقام خود مرتکب جرائم جنایی می‌شوند، به سرعت توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند. حتی خود سیاستمداران نیز اغلب از چنین اتهامات انتسابی برای بی‌اعتبار کردن مخالفان سیاسی خود نوعاً استفاده می‌کنند. برخی معتقدند حتی برای تصمیمات بد سیاسی نیز مسئولیت برقرار است. (زیرمن، ۲۰۱۷)

براساس آموزه‌های کنونی حقوق بین‌الملل کیفری به خوبی شناخته شده است که جنایات بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی عمدتاً علیه تعداد زیادی از قربانیان انجام می‌شود و در مناطق جغرافیایی گسترده‌ای گسترش می‌یابد. ارتکاب آنها معمولاً مبتنی بر وجود یک طرح مجرمانه جمعی است که توسط افراد در سطوح مختلف و با ظرفیت‌های مختلف اجرا می‌شود. دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی سابق در مواجهه با این ویژگی‌های واقعی جنایات مربوط به صلاحیت خود، بر مفهوم شرکت جنایی مشترک (JCE) به عنوان بهترین وسیله برای تعیین نقشی که سازمان دهندگان واقعی بازی می‌کنند تکیه می‌کند. از طرح جنایی رایج از سوی دیگر، اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی به صراحت مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب دسته جمعی جنایات بین‌المللی را تنظیم می‌کند. (بیگی، ۲۰۱۳، ص ۶۲۹)

اگر بخواهیم به تجربیات بین‌المللی در این خصوص نگاهی بیفکنیم همانطور که در محاکمه‌های سابق اسلوبودان میلوسویچ، چارلز تیلور و صدام حسین نشان داده شده است، ارتکاب گسترده و سیستماتیک جنایات بین‌المللی معمولاً توسط رهبران ارشد سیاسی و نظامی برنامه‌ریزی و راه‌اندازی می‌شود. با این وجود، استفاده از اشکال سنتی مسئولیت کیفری منجر می‌شود. به این نتیجه رسیدند که آنها صرفاً لوازم جانبی چنین جنایاتی هستند. این امر نقش اصلی آنها را منعکس نمی‌کند و اغلب منجر به مجازاتی می‌شود که با توجه به تأثیر اعمال و کوتاهی آنها به طور نامناسبی کم است. به همین دلایل، حقوق بین‌الملل کیفری تأکید ویژه‌ای بر توسعه مفاهیم شرکت

جنایی مشترک (که به عنوان دکترین هدف مشترک نیز شناخته می‌شود) و کنترل جرم، با هدف بازتاب بهتر نقش محوری رهبران ارشد سیاسی و نظامی در کمپین‌های بزرگ و سیستماتیک ارتکاب جنایات بین‌المللی است. اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی و رویه قضایی در سال‌های اخیر نقش منحصر به فردی در دستیابی به این هدف داشته‌اند. (اولاسولو، ۲۰۰۹)

قوانین و مقررات بین‌المللی مؤید دو نکته اصلی یعنی مبارزه فراگیر و ممنوعیت هرگونه تعامل و حمایت از گروه‌های تروریستی است؛ اما امروزه برخی ضرورت‌های سیاسی باعث تعاملات گسترده پشت پرده بعضی دولت‌ها با گروه‌های تروریستی شده است؛ همین عاملی محرکی جهت بازشناسایی مسئولیت دولت‌ها در قبال نقش‌ها و تکالیف آنان در روند زندگی بین‌المللی در برابر دیگر بازیگران است. با این تفسیر اینجاست به مسئولیت عام دول در قبال پدیده تروریسم مجدداً مرور کوتاهی داشته و مضاف بر آن مسئولیت‌های تکمیلی و خاص دول را در قالب دکترین مسئولیت حمایت در برابر دیگر بازیگران روابط بین‌الملل را به نظاره خواهیم نشست. با در نظر گرفتن خطر این گروه‌ها برای صلح و امنیت جهانی و ممنوعیت‌های بین‌المللی همچنان شاهد حمایت‌های مادی و معنوی برخی از رهبران (برخی دول منطقه) از پدیده شوم تروریسم هستیم که این وضعیت باعث می‌شود مسئولیت کیفری متوجه رهبران دولت‌های حامی بدانیم قابلیت احراز مسئولیت کیفری ایشان و طرح این مسئولیت ذیل عناوین مجرمانه جنایات ضد بشریت و جنایات جنگی در مواد ۷ و ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۱ قابل بحث بوده و بر اساس مبانی نظریه نوین تلفیق تفسیر مدیران ارشد و سیاست‌های شخص حقوقی و همچنین تسری آموزه‌های اقدامات مجرمانه مشترک و تسری رهیافت بین‌المللی عدالت انتقالی^۲ (مسئولیت کیفری متأخر ناشی از اقدامات بین‌المللی)^۳ رهبران عالیرتبه سیاسی قابل رسیدگی واقعی است (موسوی فرد و دیگران؛ ۱۳۹۵، ص ۲۱۹)

۲-۳: تجهیزات کشتار جمعی

سلاح کشتار جمعی (WMD) چیزی است که قادر به ایجاد تلفات جمعی و یا تخریب یا بیهوده ساختن دارایی‌های با ارزش بالا است. اگرچه سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی، هسته‌ای و رادیولوژیکی اغلب به عنوان نمونه‌هایی از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده می‌شوند، بسیاری از چیزها را می‌توان به عنوان سلاح کشتار جمعی استفاده کرد. (پورپورا، ۲۰۱۳، ص ۳۶۳)

1. Statute of The International Criminal Court
2. Transitional Justice
3. Delayed Criminal Liability Arising from International Actions

در تعریف دیگری چنین آمده است سلاح‌های کشتار جمعی را می‌توان با نام اختصاری CBRNE که مخفف عبارت‌های شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی، هسته‌ای و انفجاری است، خلاصه کرد. در پاسخ به یک حادثه کشتار جمعی، پاسخ دهنده باید نه تنها عامل مورد نظر، بلکه مسیر پراکنده‌گی را نیز در نظر بگیرد، زیرا این می‌تواند عملیات از جمله تجهیزات حفاظت شخصی (PPE)، روشی برای رفع آلودگی، و انتظارات را به تعداد قربانیان احتمالی تغییر دهد... مسیر پراکنده‌گی می‌تواند از طریق آئروسول سازی، انفجار حرارتی، آلودگی آب و منابع غذایی و حتی تماس انسان با انسان باشد. مدل ایده آل انتقال به خصوصیات فردی هر عامل بستگی دارد. (رید شریدر و همکاران، ۲۰۲۳) سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) را می‌توان به پنج نوع اصلی تقسیم کرد: شیمیایی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی، هسته‌ای و انفجاری از آن نام برد، سلاح‌های شیمیایی شامل عواملی مانند سیانید هیدروژن و سولفور خردل است که می‌تواند باعث صدمات شدید و مرگ شود. سلاح‌های بیولوژیکی شامل استفاده از عوامل عفونی مانند ویروس‌ها و باکتری‌ها است. سلاح‌های رادیولوژیکی مواد رادیواکتیو را پراکنده می‌کنند، در حالی که سلاح‌های هسته‌ای انرژی هسته‌ای انفجاری را آزاد می‌کنند. سلاح‌های انفجاری شامل مواد منفجره با درجه بالا مانند بمب و همچنین مواد منفجره درجه پایین مانند باروت می‌شود. اصطلاح سلاح‌های کشتار جمعی حداقل از سال ۱۹۳۷، زمانی که برای توصیف سازندهای انبوه هواپیماهای بمب افکن استفاده شد، رایج بوده است. در آن زمان به نظر می‌رسید که این نبرد ناوهای پر پرواز هوایی تهدیدی غیرقابل توقف برای مراکز غیرنظامی واقع در دور از هر جبهه جنگی همانطور که در طول جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) به ویژه در بمباران شهرهایی مانند هامبورگ انجام دادند. آلمان و توکیو ژاپن، زمانی که ده‌ها هزار غیرنظامی در یک شب کشته شدند. با پرتاب بمب اتمی در هیروشیما، ژاپن، قدرت وحشتناک بمب‌های معمولی در مقابل تماشای یک مرکز شهر که نابود شد و حدود ۶۶۰۰۰ نفر فوراً توسط انفجار و گرمای یک سلاح هسته‌ای کشته شدند، کم‌رنگ شد. (تا پایان سال، صدمات ناشی از تشعشعات، تعداد کشته‌ها را به ۱۴۰۰۰۰ نفر رساند.) در طول جنگ سرد، ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و دیگر قدرت‌های بزرگ انبارهای عظیمی حاوی ده‌ها هزار بمب هسته‌ای، کلاهک‌های موشکی و گلوله‌های توپخانه آنقدر زیاد بود که بن بست نظامی و دیپلماتیک آن دوران گاهی عنوان «موازنه ترور» توصیف می‌شد. (نقل از ویراستاران: دایره المعارف بریتانیکا، ۲۰۲۴)

در همان زمان، هر دو ابرقدرت انباشته‌ای از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، دو نوع اصلی دیگر سلاح‌های کشتار جمعی مدرن را نیز جمع‌آوری کردند. سلاح‌های شیمیایی شامل مایعات و گازهایی است که قربانیان خود را خفه می‌کند، خون آنها را مسموم می‌کند، پوست آنها را تاول می‌زند یا سیستم عصبی آنها را مختل می‌کند. گاز کلر (عامل خفگی) و گاز خردل (عامل تاول‌زا) در هر دو جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) در اوایل قرن ۲۰ و جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) در گلوله‌های توپخانه‌ای علیه نیروهای مستقر شلیک شد. سلاح‌های بیولوژیکی حاوی سموم طبیعی یا عوامل عفونی مانند باکتری‌ها، ویروس‌ها یا قارچ‌ها هستند. اسپری یا انفجار در مناطق پرجمعیت ممکن است باعث شیوع محدود اما شدید بیماری‌های کشنده مانند سیاه زخم، طاعون ذات‌الریه یا آبله شوند. از زمانی که ژاپنی‌ها در طول جنگ جهانی دوم شپش‌های آلوده به طاعون را در مناطقی از چین پخش کردند، از سلاح‌های بیولوژیکی در جنگ‌های مدرن استفاده نشد. با این حال، سهولت نسبی که با آن عوامل بیولوژیکی و شیمیایی می‌توانند تهیه، بسته‌بندی، تحویل و راه‌اندازی شوند، این نگرانی را ایجاد کرده است که آنها ممکن است به سلاح انتخابی تروریست‌ها تبدیل شوند. در واقع، از پایان جنگ سرد، نگرانی اصلی در مورد همه سلاح‌های کشتار جمعی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بوده است، یعنی پتانسیل قدرت‌های کمتر، «دولت‌های سرکش» یا گروه‌های تروریستی بین‌المللی برای دستیابی به ابزار تولید و عرضه سلاح‌های کشتار جمعی است. تلاش‌های فراملی برای کنترل گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در توافق‌های بین‌المللی مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی ۱۹۷۲ و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۳ ذکر شده است.

(دایره المعارف بریتانیکا، منبع پیشین)

یافته‌های تحقیقاتی

۴. بحران سازی منطقه‌ای نتانیاها جهت فرار از فشارهای داخلی

این حجم از اقداماتی که اسرائیل در غزه و لبنان به بهانه مبارزه با حماس و حزب الله انجام داده است بدون تردید بخشی از تئوری بحران سازی مصنوعی برای توجیه افکار عمومی داخلی و فرار از مسئولیت‌های پیش روی نخست وزیر کنونی آن یعنی نتانیاها باید قلمداد گردد. حضور اسرائیل در قلب درگیری‌ها و چالش‌های امنیتی چندین دهه گذشته خاورمیانه، پیوند عمیقی میان امنیت ملی اسرائیل و بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای ایجاد کرده است. (نجفی و دیگران، ۱۴۰۲، ص

(۵۵۸)

البته نباید فراموش کرد عقبه این بحران سازی اسرائیل صرفاً به اتفاقات طوفان الاقصی بر نمی‌گردد با نگاهی به تحولات و بحران‌های منطقه‌ای در می‌یابیم مثلاً حضور و نفوذ اسرائیل در برخی مناقشه‌های منطقه‌ای و جهان به وضوح دیده می‌شود. از مهم‌ترین این ابزارها، نفوذ امنیتی-اطلاعاتی و تکنولوژی برتر نظامی است. در جنگ اخیر گرجستان با روسیه هم با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک منطقه، این رژیم در صحنه منازعه حضور جدی داشت و حتی در مراحل مختلف مناقشه ایفای نقش کرد. مناقشه گرجستان، علاوه بر تأثیر منطقه‌ای، به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی قفقاز پس از جنگ سرد و تبدیل منطقه به عرصه رقابت قدرتهای فرامنطقه‌ای به سرعت ابعاد بین‌المللی به خود گرفت. از مهم‌ترین ابعاد فعالیتهای اسرائیل در گرجستان بعد نظامی-امنیتی (جاسوسی) آن است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که نقش این رژیم در جنگ گرجستان تنها به فروش سلاح‌های پیشرفته به این کشور محدود نمی‌شود؛ بلکه افسران آن نیز در آموزش نظامی نیروهای گرجی مشارکت داشتند و شرکت‌های اسرائیلی فعال در زمینه تولید اسلحه نیز در این کشور حضور پیدا می‌کردند. (توجه شود به: نائیان، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱)

شاهد مثال دیگر را چنین می‌توان توجه کرد در یکی از خونبارترین تحولات خاورمیانه، از سال ۲۰۱۱ بحرانی سخت سوریه و منطقه را درگیر خود نموده است. در این میان هر کدام از بازیگران منطقه‌ای و یا قدرت‌های فرامنطقه‌ای به فراخور وزن و جایگاه و همچنین به تناسب منافع و ملاحظات خود در این بحران مداخله، نقش آفرینی و یا حداقل اعلام موضع نموده‌اند، اما اسرائیل به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و یک همسایه اشغالگر برای سوریه در فضایی غبارآلود از خود واکنش روشنی نشان نداده و از ایفای نقش مستقیم در این بحران خودداری نموده است. این این فرضیه به اثبات رسیده است که با استخدام عقلای استراتژیک، راهبرد اسرائیل، انتظار، اجرای سیاست همسایه خوب، تغییر تاکتیک اشغال زمین به گسترش مناطق بافر، ائتلاف غیررسمی منطقه‌ای علیه ایران و واکنش محدود و موضعی در قبال نقض خطوط قرمز خود در جهت حفظ امنیت شهروندان و منافع ملی خویش است. (ذاکریان و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۷۱)

در خصوص ضرورت‌های سیاسی این بحران سازی باید گفت: در این چهارچوب است که می‌توان حمله پیجری و بعد از آن حملات موشکی اسرائیل به لبنان را درک کرد؛ واقعیت این است که در مقطع کنونی تداوم جنگ در منطقه منافع بازیگران متعددی را تأمین می‌کند و در نتیجه با چراغ سبز آنها مواجه است. در داخل خود رژیم اسرائیل، نتانیاهو برای سرپوش گذاشتن بر فاجعه انسانی بی‌دستاوردی که در غزه داشته، ناچار است با برخی اقدامات نمایشی، دولت خود را

دولتی موفق و کارآمد معرفی کند که با اقدامات حساب شده و بهره گیری از فناوریهای نوین به دنبال تأمین امنیت برای ساکنان سرزمینهای اشغالی است. بعد از کشته شدن تعدادی از گروگانهای اسرائیلی در هفته‌های اخیر، سیل اعتراضات داخلی علیه نتانیاهو بالا گرفت و بسیاری از تحلیلگران از لزوم کناره گیری وی از قدرت سخن گفتند؛ بنابراین لازم بود با ایجاد یک شوک خارجی، اوضاع داخلی مهار و کنترل شود. ضمن اینکه نتانیاهو به روی کار آمدن مجدد ترامپ و حمایتهای بیشتر وی از دولت خود امیدوار است و برای تحقق این آرزو به مقداری وقت کثی و حفظ خود در قدرت تا زمان انتخابات آمریکا نیاز دارد. (مظاهری، ۱۴۰۳) این اصل را باید پذیرفت در جهان متغیر کنونی عرصه‌ی سیاست و امنیت با دگرگونی‌های شگرفی روبه‌رو است. (قلیزاده زاوشتی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۱۳) با رویکرد داخلی نیز اگر بخواهیم به قضیه‌ی نگاهی داشته باشیم از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران، رژیم صهیونیستی را رژیم نامشروع و جعلی دانسته است؛ اسرائیلی‌ها نیز با درک ماهیت ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای تضعیف و نابودی نظام اسلامی دریغ نمودند. از این رو رژیم صهیونیستی ایران را یک تهدید وجودی، ماهوی و نابودگر برای خود در تمامی سطوح تلقی می‌کند.

(عوض پور و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱)

۵. احراز صلاحیت اشخاص حقیقی در حقوق کیفری بین المللی

با مطالعات صورت گرفته جنایات بین المللی اغلب انگیزه‌های پیچیده‌ای در پشت خود دارند،

از جمله:

- **سود مالی:** عاملان ممکن است جرایمی مانند قاچاق انسان یا قاچاق مواد مخدر را برای سود مالی مرتکب شوند، همانطور که در منابع آکادمیک بحث شده است؛
- **قدرت سیاسی:** برخی از جنایات بین المللی، مانند نسل کشی یا جنایات جنگی، ممکن است ناشی از تمایل به کسب یا حفظ قدرت سیاسی باشند، همانطور که در منابع آمده است؛
- **باورهای ایدئولوژیک:** اقدامات تروریستی یا اقدامات افراط گرایی می‌تواند توسط باورهای ایدئولوژیک قوی هدایت شود، با هدف ترویج یک دستور کار یا سیستم اعتقادی خاص؛
- **تلافی یا انتقام:** در درگیری‌ها، جرائم بین المللی ممکن است به عنوان اقدامات تلافی جویانه یا انتقام علیه دشمنان شناخته شده یا گروه‌های مخالف انجام شود؛

▪ **کنترل یا سلطه:** عاملان ممکن است برای اعمال کنترل یا سلطه بر یک جمعیت یا قلمرو، جنایاتی مرتکب شوند و به دنبال القای ترس و اعمال اقتدار باشند.

درک این انگیزه‌ها برای رسیدگی و جلوگیری از جرائم بین‌المللی در نوع خود احراز مسئولیت کیفری در محاکم بین‌المللی صلاحیت دار به طور مؤثر بسیار مهم است (هوساک، ۱۹۸۹، صص ۳-۱۴). حقوق کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری فردی را مستقیماً تحت قوانین بین‌المللی برای ارتکاب جرائم خاصی که به منافع جامعه بین‌المللی آسیب جدی می‌رساند، به رسمیت می‌شناسد. اصل تقصیر شخصی مسئولیت جمعی و سختگیرانه را در حقوق کیفری بین‌المللی حذف می‌کند و منجر به شناخت چندین دلیل برای حذف مسئولیت کیفری می‌شود. اجرای مسئولیت کیفری فردی برای جرائم بین‌المللی به دلیل کمیسیون جمعی و بعد کلان جرائم و همچنین عدم وجود سازوکارهای اجرایی همگن، چالش قابل توجهی را به وجود می‌آورد. محققان مختلف بر اهمیت تعیین مسئولیت کیفری فردی برای جرائم بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز، با وجود ابعاد کلان و کمیسیون جمعی آنها تأکید می‌کنند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی معمولاً صلاحیت فقط بر اشخاص حقیقی دارند و این امر باعث بحث‌های مداوم در مورد مطلوبیت و امکان پذیری مسئولیت شخص‌های حقوقی بر اساس قوانین بین‌المللی می‌شود. (ملونی، ۲۰۲۰)

به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری فردی تحت قوانین بین‌المللی نسبتاً جدید است و پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرده است. اکنون کاملاً ثابت شده است که افراد می‌توانند مستقیماً تحت قوانین بین‌المللی برای ارتکاب برخی جنایات جدی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی مسئول کیفری شناخته شوند. اصل مسئولیت کیفری فردی رکن اساسی حقوق کیفری بین‌المللی است. این اسناد بین‌المللی و رویه‌ها تأیید می‌کند که "جنایت علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد حقیقی انجام می‌شود، نه توسط نهادهای انتزاعی، و تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند، می‌توان مفاد حقوق بین‌الملل را اجرا کرد." انتساب مسئولیت کیفری به افراد برای جنایات بین‌المللی، چالش‌های متعددی را به همراه دارد، از جمله مسائل مربوط به مصونیت سران کشورها، بعد جمعی این جنایات و اجرای مسئولیت فردی در غیاب مکانیسم‌های اجرایی همگن‌اند. (واتت پد و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۳۹۱)

معیارهای مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل شامل ارتکاب جنایات جدی بین‌المللی، اصل مجرمیت شخصی، و شیوه‌های مختلف مسئولیتی است که برای پرداختن به ماهیت جمعی این

جنایات، همه در چارچوب جنایات بین‌المللی در حال تحول ایجاد شده است. نوعاً برای غلبه بر این چالش‌ها، قواعد انتساب مسئولیت کیفری به افراد تا حدی بازتفسیر شده و شیوه‌های جدیدی از مسئولیت ایجاد شده است. اصل مجرمیت شخصی مستثنی از مسئولیت جمعی^۱ و شدید است. مسئولیت جمعی و پاسخگویی بر اساس حقوق بین‌الملل به بررسی میزانی می‌پردازد که اصل اساسی مسئولیت فردی مسئولیت اعمال دیگران را در نظر می‌گیرد. (داری، ۲۰۰۷، ص ۱) اجرای مسئولیت کیفری فردی برای جنایات بین‌المللی همچنان یک چالش کلیدی در عدالت کیفری بین‌المللی است. با این حال، تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و دادگاه کیفری بین‌المللی، تعقیب افراد را برای چنین جرائمی به طور قابل توجهی پیش برده است. مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی^۲، علی‌رغم پیچیدگی‌هایی که در انتساب مسئولیت جنایات قساوت جمعی که از طریق گروه‌های سازمان‌یافته^۳ یا دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود، یک اصل اصلی حقوق کیفری بین‌المللی است. هرچند جدیداً خیلی محدود به برخی اشخاص حقوقی تسری داده‌اند مثلاً در دهه اخیر شاهد حجم گسترده‌ای از نوشته‌های علمی بوده است که از پذیرش مسئولیت کیفری شرکتی که در اساسنامه رم در نظر گرفته شده است و گسترش صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی فراتر از انسان‌ها به شرکت‌های بزرگ (در آتیبه احتمالاً دیگر بازیگران همانند دولت‌ها و امثالهم) حمایت می‌کند (وات پد، منبع پیشین)

۶. مسئولیت و سهم دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

نوعاً مسئولیت و سهم دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم تلاش جمعی است که شامل سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان ملل می‌شود. منشور ملل متحد، به ویژه در فصل هشتم، بر اهمیت تقسیم مسئولیت‌ها در حفظ صلح و سایر فعالیت‌های مرتبط با صلح تأکید می‌کند. این چارچوب از کشورهای عضو می‌خواهد تا برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق همکاری منطقه‌ای و مشارکت شورای امنیت در تشویق چنین حل و فصل‌هایی تلاش کنند. شورای امنیت، همانطور که در منشور مشخص شده است، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. امروزه بخشی از این مأموریت به سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دولتها ارجاع داده شده است، سازمان‌های منطقه‌ای با فراهم کردن بستری برای حل مناقشه، تقویت همکاری و تقویت امنیت جمعی، نقش مهمی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند. آن‌ها

1. Collective Responsibility
2. Criminal Liability of Natural Persons
3. Organized Groups

موقعیت خوبی برای رسیدگی به مسائل و بحران‌های محلی دارند و از تخصص منطقه‌ای و دانش محلی خود برای جلوگیری و حل و فصل مؤثر درگیری‌ها استفاده می‌کنند. برخی از سیاستمداران معتقدند سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند راه‌درازی را در حمایت از صلح و امنیت جهانی انجام دهند زیرا می‌توانند تخصص منطقه‌ای و همچنین دانش محلی بحران‌های منطقه‌ای را در اختیار سیستم سازمان ملل قرار دهند این منطقی است که کشورهایی که در یک منطقه یا زیر منطقه فعالیت می‌کنند، یکدیگر را از نزدیک می‌شناسند و می‌دانند که مسائل چیست. بهتر است آن چالش‌هایی که بین آنها رخ می‌دهد در وهله اول در سطح منطقه‌ای با هدف یافتن راه‌حل بررسی شود، نه اینکه مجموعه‌ای کاملاً جدید از مسائل منطقه‌ای را به سازمان ملل بیاوریم.» (اشمیت، ۲۰۱۵). این نوع سازمانها «سازمان‌های منطقه‌ای» اغلب برای درک علل ریشه‌ای درگیری‌ها در مناطق خود مجهزتر هستند و می‌توانند در تلاش‌های دیپلماتیک اولیه برای جلوگیری از تشدید تنش شرکت کنند. آنها می‌توانند گفتگو و مذاکرات بین طرف‌های درگیر در مناقشه را تسهیل کنند و به یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز کمک کنند. آنها معمولاً می‌توانند امنیت جمعی را با ترویج همکاری بین کشورهای عضو در موضوعاتی مانند امنیت مرزها، مبارزه با تروریسم و مدیریت بحران افزایش دهند. این رویکرد جمعی به جلوگیری از تهاجم و حفظ ثبات در منطقه کمک می‌کند. مضافاً این ظرفیت را دارند برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را برای کشورهای عضو فراهم کنند و توانایی آنها را برای مدیریت درگیری‌ها و حفظ صلح در قلمرو خود افزایش دهند. مضافاً با ترویج همکاری‌های اقتصادی، تجارت و تبادل فرهنگی بین کشورهای عضو، ادغام منطقه‌ای را تقویت کنند. این ادغام می‌تواند با کاهش تنش‌ها و ارتقای درک متقابل به یک محیط با ثبات‌تر و صلح‌آمیز کمک کند. سازمان‌های منطقه‌ای در کنار سازمان ملل متحد کار می‌کنند و نقش مکمل را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند. در حالی که سازمان ملل از اختیارات گسترده‌تر و دسترسی جهانی برخوردار است، سازمان‌های منطقه‌ای برای رسیدگی به مسائل و بحران‌های منطقه‌ای مناسب‌تر هستند. اما در خصوص نقش تک‌تک دولت‌ها و حکومت‌های محلی قطعنامه‌های مشترک در مورد حفظ صلح به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجمع عمومی پیشنهاد می‌کنند که «حفظ صلح باید به طور گسترده باشد. به عنوان یک هدف و فرآیندی برای ساختن یک چشم‌انداز مشترک از یک جامعه، حصول اطمینان از توجه به نیازهای همه اقشار مردم حساب می‌شود. آنها همچنین حکمرانی خوب را به عنوان

بخشی جدایی ناپذیر از آن شناسایی می‌کنند ترویج حفظ صلح اما تمرکز قطعنامه‌ها بر حکومت ملی است. (تچودین، ۲۰۱۸)

رهبران محلی برای بسیاری نامرئی هستند، اما نقش مهمی در ترویج و تسهیل صلح دارند. دولت‌های محلی با اجرای ابتکارات نوآورانه صلح سازی نقش مهمی در ارتقای صلح در جوامع خود ایفا می‌کنند این ابتکارات بر سیاست‌های اجتماعی، حمایت از تروما و مهارت سازی برای جلوگیری از درگیری و خشونت است. دولت‌ها می‌توانند تلاش‌های صلح سازی را با استفاده مؤثر از منابع موجود تقویت کنند. با هماهنگی اقدامات و استفاده از برنامه‌های موجود، دولت‌ها می‌توانند تأثیر ابتکارات صلح سازی را بدون هزینه‌های اضافی قابل توجه به حداکثر برسانند. (رینکن، ۲۰۲۲)

۷. ضرورت حضور شورای امنیت فراتر از ملاحظات سیاسی

با شروع جهانی شدن و هزاره سوم، صلح و امنیت بین المللی به تدریج مفهوم سنتی وستفالیایی خود را از دست داده و پیچیده شده است. ماهیت تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی به جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و نیز نظامی گسترش یافته است. بنابراین، این فقط دولت‌ها نیستند که مسئول برقراری صلح و امنیت بین المللی هستند. بلکه همه بازیگران نظام بین الملل اعم از افراد و نهادهای بزرگ بین المللی سهم خود را در برقراری صلح و امنیت دارند. در این راستا، شورای امنیت سازمان ملل متحد که مهمترین رکن سازمان ملل متحد و حافظ صلح و امنیت بین المللی است، در طول عمر خود با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. در طول جنگ سرد و به دلیل رقابت بین ابرقدرت‌های غرب و شرق، این شورا اساساً در مواجهه با بحران‌های بین المللی ناتوان بوده است. زمانی که جنگ سرد به پایان رسید و اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، فرصت بزرگی به شورا داده شد تا با رویکردی جدید، امور بین المللی را تحلیل کند. تحول مفهوم صلح و امنیت بین المللی و تفسیرهای جدید از تهدیدات، بارزترین موضوعات شورا در دوران پس از جنگ سرد است. این امر تا حدی پیش رفته است که گاه یافتن جایگاه قانونی برای اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد دشوار است و این شورا به نوعی قانونگذار در جهان تبدیل شده است. مهم‌ترین موضوعاتی که در شورا در رابطه با صلح و امنیت بین المللی در دوران پس از جنگ سرد مورد بررسی قرار گرفت، نقض حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و مشکلات زیست محیطی بوده است. گسترش اختیارات شورا باید بر

اساس تفسیر روشن و کلی از آنها در چارچوب اصول منشور ملل متحد باشد. در نتیجه، شورای امنیت از نظر قانونی توانایی انجام اقدامات خودسرانه و نامحدود را ندارد. (سلطانی و دیگران، ۲۰۱۷، ص ۱۳۳)

نووعاً شورای امنیت نقش مهمی در پرداختن به تهدیدات علیه امنیت بین‌المللی، تقویت مذاکرات، تحمیل تحریم‌ها، و مجوز استفاده از زور، از جمله استقرار مأموریت‌های حافظ صلح، ایفا می‌کند. مسئولیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی چند وجهی است. این شامل تعیین وجود تهدید علیه صلح یا اقدام تجاوزکارانه، دعوت از طرفین اختلاف برای حل و فصل آن از راه‌های مسالمت‌آمیز، و توصیه روش‌های تعدیل یا شرایط حل و فصل است. شورا همچنین می‌تواند طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل، اقدامات اجرایی را انجام دهد که از تحریم‌های اقتصادی تا اقدام نظامی بین‌المللی، برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی را شامل می‌شود. نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با توانایی آن در ایجاد عملیات حافظ صلح سازمان ملل و مأموریت‌های ویژه سیاسی، که در مناطق یا موقعیت‌های خاص برای کمک به حفظ صلح و ثبات مستقر می‌شوند، بیشتر تأکید می‌شود. تصمیمات شورا برای همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد الزام‌آور است، زیرا آنها موافقت می‌کنند تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل را طبق ماده ۲۵ منشور بپذیرند و اجرا کنند. مسئولیت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جنبه‌ای حیاتی از وظایف آن بر اساس منشور سازمان ملل است. اقدامات و تصمیمات شورا برای جلوگیری و حل و فصل منازعات، ترویج صلح و تضمین امنیت و امنیت ملل و مردم در سراسر جهان طراحی شده است. متأسفانه ملاحظات سیاسی در خصوص نقش شورای امنیت ملل متحد در عدم حفظ اولویت صلح جهانی بر دیگر مسائل در قضیه فوق مشخص گردید.^۱ ضرورت سازگاری با شرایط جدید نظام بین‌الملل

۱. برای اولین بار در این قضیه از (۷ اکتبر سال ۲۰۲۴ میلادی) گذشته، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۵ مارس توانست قطعنامه‌ای را تصویب کند که "خواهان آتش بس فوری" در نوار غزه است. متن همچنین "خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه گروگان‌ها" و همچنین "تضمین دسترسی بشردوستانه" برای رفع نیازهای بشردوستانه آنها است. متن (قطعنامه ۲۷۲۸) توسط ۱۰ عضو منتخب شورا پیشنهاد شده بود و با ۱۴ رأی موافق و ایالات متحده رأی ممتنع به تصویب رسید. این پذیرش به خودی خود قابل توجه است زیرا با سیاست بلندمدت ایالات متحده مبنی بر حمایت تزلزل‌ناپذیر از اسرائیل در شورای امنیت، که عملاً ایالات متحده را به وتوی سیستماتیک متون شورای امنیت که برای متحدش نامطلوب است، سوق داده است، قابل توجه است. و در واقع این همان چیزی است که در شش ماه گذشته اتفاق افتاد، با وتوی چندین متن مربوط به نوار غزه توسط ایالات متحده. اما چند روز قبل از پذیرش قطعنامه ۲۷۲۸، متن پیشنهادی آمریکا بود که در شورا وتو شد. در مورد اخیر، اینکه آیا متن سازمان ملل بر اجرای عملیات اسرائیل در غزه تأثیر خواهد داشت یا خیر، باید دید. در واقع این روش به هیچ وجه بر شیوه عمل اسرائیل در روزهای پس از تصویب آن تأثیری نگذاشته است، و تعداد کمی از ناظران، در صورت وجود،

پس از جنگ سرد موجب شد بیشترین نگاه‌ها به اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص بحران‌ها و ایجاد صلح، معطوف شود. به این نتیجه می‌رسیم که حضور همیشگی اعضای دائم در شورای امنیت و برخورداری از حق نایاب و تو، و تضاد منافع میان اعضا دائم مانع اصلی برقراری و مدیریت صلح توسط شورا در عرصه بین‌المللی می‌باشد. (صالحی، ۱۴۰۲، ص ۶۵)

۸. شرایط تحقق مشارکت در جنایات بین‌المللی

جنایات نسل‌کشی^۱، جنایات علیه بشری تو جنایات جنگی، که فجیع‌ترین جنایات مورد توجه جامعه بین‌المللی تلقی می‌شوند، اغلب در دوره‌های درگیری مسلحانه یا بحران غیرنظامی رخ می‌دهند و عاملان، شاهدان و مهمتر از همه قربانیان را شامل می‌شوند. در حالی که از لحاظ حقوقی و شواهد پیچیده است، کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ با ۲۸۵۱ پرونده در دست بررسی یا محاکمه، مشارکت قوی در تحقیق و تعقیب این نوع جنایات نشان می‌دهند.^۲

اگرچه ممنوعیت برخی رفتارها در انجام درگیری‌های مسلحانه را می‌توان به قرن‌های متمادی ردیابی کرد، مفهوم جنایات جنگی به‌ویژه در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، زمانی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز شناخته می‌شود، توسعه یافت. قانون منازعات مسلحانه، مدون شد.

به چنین مسیری خوشبین هستند. در واقع، اسرائیل در طول زمان تا حد زیادی در برابر قطعنامه‌های شورای امنیت درباره فلسطین مقاومت کرده است. طبق ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد، اعضای سازمان ملل متحد «موافق هستند که تصمیمات شورای امنیت را مطابق با این منشور بپذیرند و اجرا کنند»، که نشان می‌دهد تمام قطعنامه‌های تصویب شده توسط شورای امنیت از نظر قانونی لازم الاجرا هستند. البته مواردی که دولت‌ها قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا نکرده‌اند بسیار است و موقعیت‌های جنگی اغلب منجر به چنین نقض‌های دور زدن یا حتی آشکار شده است. در واقع، حتی بین ماهیت جنگی که یک کشور به راه انداخته است و تمایل به تبعیت از قوانین بین‌المللی یا قطعنامه‌های شورای امنیت همبستگی وجود دارد: هر چه جنگ بیشتر به عنوان استراتژیک یا وجودی تلقی شود، کشوری که در حال انجام آن است کمتر است. به احتمال زیاد محدودیت‌های قطعنامه‌های شورای امنیت را می‌پذیرد. و اسرائیل اینگونه خواهد دید. البته، به طور بالقوه هزینه سیاسی زیادی برای پرداخت، از نظر شهرت بین‌المللی، برای عدم رعایت متون سازمان ملل و قوانین بین‌المللی بشردوستانه وجود دارد، اما به نظر می‌رسد اسرائیل آماده پرداخت این هزینه است. اعتبار این قطعنامه کاملاً زیر سؤال رفته است سوالی که پیش می‌آید این است که آیا این بدان معناست که قطعنامه ۲۷۲۸ هیچ نقشی نخواهد داشت؟ در کوتاه مدت، احتمالاً نه. اما این را باید در طولانی‌تر خواند، به‌عنوان بخشی از یک بازی بزرگ‌تر که شامل بیانیه‌های مختلف دیوان بین‌المللی دادگستری نیز می‌شود (در ۲۹ مارس ۲۰۲۴ دادگاه به اسرائیل دستور داد که اجازه «دسترسی بدون مانع به کمک‌های غذایی به غزه» را بدهد. که به انزوای اسرائیل کمک می‌کند و در عین حال بیان می‌کند که چه چیزی از نظر قانونی و سیاسی در شرایط جنگی قابل قبول است و چه چیزی نیست. جهت مطالعه اصل مقاله تحلیلی رجوع شود به:

-See: Jacques Delors(2024): How binding are token UN Security Council resolutions?: Online access to the analytical article: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/opinion-how-binding-are-token-un-security-council-resolutions/3184634>

1. Genocide Crimes

2. See: Genocide, Crimes Against Humanity and War Crimes | Europol .n.d

"جنایت جنگی" همانطور که از این اصطلاح پیداست، جرایمی است که در ارتباط با یک درگیری مسلحانه، چه بین‌المللی و چه غیر بین‌المللی انجام می‌شود. اصطلاح "جنایات جنگی" طیف وسیعی از اعمال مختلف، از جمله تجاوز جنسی و شکنجه را در بر می‌گیرد که اگر در زمان صلح یا در موقعیت‌های خشونت‌آمیز انجام شود که کمتر از درگیری مسلحانه باشد، جرائم قابل مجازات طبق قوانین ملی محسوب می‌شود. کنوانسیون‌های لاهه که در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به تصویب رسید، بر منع طرف‌های متخاصم از استفاده از ابزار و روش‌های خاص جنگ تمرکز دارد. از آن زمان تاکنون چندین معاهده مرتبط دیگر به تصویب رسیده است.

در مقابل، کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ و کنوانسیون‌های بعدی ژنو، به ویژه چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷، بر حمایت از افرادی تمرکز دارند که دیگر در خصومت‌ها شرکت نمی‌کنند یا دیگر شرکت نمی‌کنند. هم‌قانون لاهه و هم‌قانون ژنو چندین مورد از موارد نقض هنجارهای آن را جنایات جنگی شناسایی می‌کنند. با این حال هیچ سند واحدی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که همه جنایات جنگی را مدون کند. فهرست جنایات جنگی را می‌توان هم در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و معاهدات حقوق کیفری بین‌المللی و هم در حقوق عرفی بین‌المللی یافت. کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو توسط همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب شده است، در حالی که پروتکل‌های الحاقی و سایر معاهدات حقوق بشردوستانه بین‌المللی هنوز به سطح یکسانی از پذیرش نرسیده‌اند. با این حال، بسیاری از قواعد مندرج در این معاهدات به عنوان بخشی از حقوق عرفی در نظر گرفته شده است و به این ترتیب، برای همه دولت‌ها (و سایر طرف‌های درگیر) الزام‌آور است، خواه کشورها خودشان معاهدات را تصویب کرده باشند یا نه. علاوه بر این، بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌شود و از این طریق حفاظت ارائه شده در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی را گسترش می‌دهد، که تنها توسط ماده (۳) مشترک از چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی تنظیم می‌شود.

انواع مختلفی از تحقیقات در مورد نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت وجود دارد. برخی از آنها در چند روز پس از یک جنایت اتفاق می‌افتند و ارزش آنها در افشای جنایات بلافاصله پس از وقوع آنها است، در حالی که برخی دیگر سال‌ها پس از وقوع جنایت منتشر می‌شوند. اگر بخواهیم به مصادیق تاریخی رجوع کنیم مجموع تلفات کشتار سربرنیتسا، که توسط نیروهای نظامی و پلیس صرب بوسنی انجام شد، بیش از ۷۰۰۰ مرد و پسر بود، در حالی که حدود ۴۰۰۰۰ زن، کودک و

سالخورده از خانه‌های خود اخراج شدند. تقریباً ۵۰ نفر در لاهه و در پایتخت‌های کشورهای بالکان غربی سارایوو، بلگراد و زاگرب به خاطر این جنایات محکوم شده‌اند، اکثریت قریب به اتفاق برای دو نوع "سازمان یافته" جنایات تحت قوانین کیفری بین‌المللی کشتی و جنایات علیه بشریت است. نسل‌کشی برای اولین بار بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم توسط کنوانسیون سازمان ملل متحد که به اتفاق آرا توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، جرم شناخته شد. زیرا برای اینکه نسل‌کشی اتفاق بیفتد، باید "قصد نابود کردن، به طور کلی یا جزئی، یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی" وجود داشته باشد و این تخریب از طریق کشتار، سوء استفاده انجام شود. ایجاد شرایط زندگی غیر قابل تحمل، جلوگیری از تولد یا انتقال اجباری کودکان است. جنایات علیه بشریت ممکن است در زمان صلح رخ دهد، اما در جنگ بیشتر دیده می‌شود. برای وقوع جنایات علیه بشریت، جنایات پایه - مانند قتل، شکنجه، سوء استفاده، خشونت جنسی یا سایر اعمال باید بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان باشد. مرتکب باید از این حمله در مقیاس بزرگتر اطلاع داشته باشد و اعمال آنها باید به نوعی به آن حمله کمک کند.^۱

۹. شرایط تحقق معاونت در جنایات چندگانه بین‌المللی

معاون جرم یا بزه در حقوق کیفری به کسی گفته می‌شود که به طور مستقیم در ارتکاب جرمی که توسط دیگری انجام می‌شود دخالتی نداشته اما به طور عالمانه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ و... در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته‌است. به عبارت دیگر معاون جرم کسی است که پیش از وقوع یا در حین ارتکاب جرم با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده یا مرتکب (مباشر) را به ارتکاب آن برانگیخته است. ارتکاب اعمال زیر معاونت در جرم محسوب می‌شود:

۱. تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع؛
۲. دسیسه، فریب و نیرنگ؛
۳. تهیه وسایل ارتکاب جرم؛
۴. ارائه راه و روش ارتکاب جرم؛

1. See: Investigating War Crimes: Genocide and Crimes Against Humanity

۵. تسهیل ارتکاب جرم؛

بر اساس تعریف ارائه شده از معاون در جرم این امر در مقابل مباشر قرار می‌گیرد مباشر کسی است که عملیات اجرایی جرم را انجام می‌دهد. مثلاً در جرم قتل، کسی که مرتکب سلب حیات دیگری می‌شود، مباشر است اما معاون در این سلب حیات دخالت نمی‌کند فقط وسایل را در اختیار مباشر قرار می‌دهد. مثلاً به وی تفنگی می‌دهد تا قاتل بدین وسیله دیگری را به قتل برساند. به بیان ساده‌تر، کسی که در عملیات اجرایی جرم دخالت دارد باید عملی را انجام دهد که این عمل فی‌الذمه جرم محسوب شده و مجازاتی را در پی داشته باشد. وگرنه معاون را نمی‌توان مجازات کرد. این را سیستم عاریتی می‌نامیم. یعنی مجازات معاونت زمانی بر شخص بار می‌شود که مباشر عمل مجرمانه‌ای را انجام داده باشد. معاونت در جرم در فقه و حقوق اسلامی مساوق معصیت و گناه است. (موسوی بجنوردی؛ ۱۳۸۲، ص ۳)

به طور کلی می‌توان گفت که نحوه مداخله افراد در ارتکاب جرم ممکن است به یکی از سه شکل مباشرت، مشارکت یا معاونت باشد. عبارات و اصطلاحات دیگری هم که در برخی مواد قانونی تحت عنوان تسبیب، سبب اقوی از مباشر و ... ذکر می‌شود قابل تطبیق بر یکی از عناوین مزبور است. این جستار در مقام تبیین و تشریح کلیه مسائل مربوط به معاونت در جرم نیست و فقط برخی مسائل اختلافی و بحث برانگیز مربوط به معاونت مورد بررسی قرار گرفته است. به این اعتبار مسایلی از قبیل وحدت قصد بین مباشر و معاون، رابطه بین معاون و مباشر، تأثیر وضعیت مباشر در معاون، معاونت بعد از وقوع جرم، مجازات معاون و ... می‌تواند بحث شود. (رحمدل، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱)

در حقوق بین الملل می‌تواند تحت عنوان اقدامات مجرمانه مشترک به نظر قابل تحقق است دکترین "اقدامات مجرمانه مشترک" یکی از آشکال بحث‌برانگیز مسئولیت کیفری در قلمرو حقوق کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود که در پرتو آراء دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، شکل گرفته و از سوی دیوان و نیز دیوان کیفری بین‌المللی رواندا، مورد استناد قرار گرفته است. (میرمحمد صادقی؛ ۱۳۹۹، ص ۵۹)

۱۰. عدم توجه به خواست افکاری جهانیان

در حالی که افکار عمومی می‌تواند بر تصمیمات دولت تأثیر بگذارد، سیاستمداران همیشه به سادگی آخرین نتایج نظرسنجی را دنبال نمی‌کنند. سیاستمداران ممکن است به جای پیروی از افکار عمومی، رهبری افکار عمومی را انتخاب کنند، به خصوص در مورد مسائل پیچیده‌ای که ممکن است افکار عمومی فاقد دیدگاه‌های کاملاً مشخص باشد. آن‌ها همچنین ممکن است برخی از منافع عمومی را بر سایرین اولویت دهند یا تصمیماتی اتخاذ کنند که معتقدند به نفع عمومی است حتی اگر در کوتاه مدت نامحبوب باشند. همچنین موانع نهادی و بوروکراتیکی وجود دارد که می‌تواند قدرت افکار عمومی را برای تأثیرگذاری بر تصمیمات خاص دولت محدود کند، زیرا مقامات منتخب همیشه به آخرین اعداد نظرسنجی وابسته نیستند. مضافاً ممکن است سیاستمداران متهم شوند که به جای اتخاذ تصمیمات اصولی، افکار عمومی را برای جلب رضایت رأی دهندگان "تحقیر" می‌کنند. عموم مردم همیشه در مورد مسائل سیاسی کاملاً مطلع نیستند، بنابراین ممکن است سیاستمداران همیشه افکار عمومی را بهترین راهنما برای سیاست گذاری نینند. سیاستمداران عموماً از افکار عمومی آگاه هستند و ممکن است مواضع یا لفاظی خود را برای همسویی بهتر با دیدگاه‌های غالب تنظیم کنند، حتی اگر همیشه افکار عمومی را مستقیماً دنبال نکنند. دانشمندان علوم سیاسی کمتر به این موضوع پرداخته‌اند که افکار عمومی در یک سیاست دموکراتیک چه نقشی باید ایفا کند و توجه بیشتری به تعیین نقشی که در واقعیت دارد، داشته‌اند. از بررسی تاریخچه‌های متعدد شکل‌گیری سیاست، واضح است که هیچ تعمیم گسترده‌ای نمی‌توان انجام داد که در همه موارد صادق باشد. نقش افکار عمومی از موضوعی به موضوع دیگر متفاوت است، همانطور که افکار عمومی از یک دموکراسی به دموکراسی دیگر خود را متفاوت نشان می‌دهد.^۱

نوعاً افکار عمومی می‌تواند محدودیت‌هایی را تعیین کند که سیاست‌گذاران باید در آن فعالیت کنند. در حالی که افکار عمومی ممکن است مستقیماً جزئیات بیشتر سیاست‌های دولت را دیکته نکند، سیاستمداران معمولاً سعی می‌کنند خواسته‌های عمومی را برآورده کنند یا حداقل

1. See: Public opinion | Definition .Characteristics .Examples .Polls .Types Importance .& Facts. (2024 , March 28). Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/public-opinion/Public-opinion-and-government>

آنها را در مذاکرات خود در نظر بگیرند. افکار عمومی می‌تواند با به نمایش گذاشتن مهم‌ترین یا فوری‌ترین موضوعات برای عموم، بر دستور کار دولت تأثیر بگذارد این می‌تواند راهنمایی کند که دولت کدام موضوعات را برای اولویت بندی انتخاب می‌کند. نظرسنجی عمومی می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا دیدگاه‌های مردم را در مورد مبادلات و چارچوب بندی مسائل درک کنند و به آنها اجازه می‌دهد تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. تهدید به نارضایتی عمومی و پیامدهای احتمالی انتخاباتی می‌تواند سیاستمداران، به ویژه آنهایی را که اغلب به دنبال انتخاب مجدد مانند اعضای مجلس هستند، انگیزه دهد تا به تغییرات افکار عمومی توجه کنند و مواضع خود را بر این اساس تنظیم کنند. نوعاً افکار عمومی یک عامل مهم در تصمیم‌گیری دولت^۱ است، اما نفوذ آن پیچیده و ظریف است، به طوری که سیاستمداران دیدگاه‌های عمومی را در برابر سایر ملاحظات و قضاوت خود متعادل می‌کنند. اگر بخواهیم به صورت مصداقی‌تر بدین قضیه بنگریم مثلاً در همین قضیه اسرائیل در حمله به فلسطین عدم توجه سازمانهای بین‌المللی باعث شده است رویکرد نیاز به اصلاحات در آن صورت پذیرد، وضعیت ضرورت اصلاحات انقلابی در نهادهای بین‌المللی را برجسته می‌کند تا اطمینان حاصل شود که آنها نماینده‌تر و پاسخگوتر به افکار عمومی در مسائلی مانند حملاتی به غزه هستند. علیرغم خشم عمومی و فراخوان متوقف کردن حملات به غزه، دولت‌های غربی از اسرائیل حمایت می‌کنند و استانداردهای دوگانه خود را در مورد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل آشکار می‌کنند (تاکاهاشی، ۲۰۲۴، ص ۱۰) حتی فشار افکار عمومی بر سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم حاکم بر اسرائیل مقامات سابق آنرا نیز وارد به واکنش کرده است به نحوی که در اخبار منعکس شده است بنیامین نتانیاهو، نخست‌وقت وزیر اسرائیل ممکن است در حال حفاری برای یک "جنگ طولانی و دشوار" باشد، اما ایهود باراک، رهبر سابق رژیم صهیونیستی نگران است که اسرائیل تنها هفته‌ها برای از بین بردن حماس باقی مانده است، زیرا افکار عمومی به ویژه در ایالات متحده به سرعت در برابر حملات آن تغییر می‌کند. وی معتقد است کاهش همدردی با اسرائیل در پی حمله حماس منجر به تغییر لفاظی از سوی مقامات آمریکایی شده است و فراخوان برای توقف بشردوستانه در نبردها برجسته‌تر شده است. نگرانی‌ها در مورد از دست دادن افکار عمومی در اروپا به دلیل

1. Government Decision Making

درگیری‌های مداوم مطرح می‌شود، که پیامدهای احتمالی بر حمایت دولت و روابط با ایالات متحده است.. (دتمر، ۲۰۲۴)

در این خصوص آنتونیو گوترش، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، به شورای امنیت هشدار داد و خواستار کمک‌های بشردوستانه بدون محدودیت و آتش‌بس فوری شد، وضعیت در خاورمیانه هر ساعت وخیم‌تر می‌شود و جنگ غزه در حال وقوع است و خطر گسترش ماریج در سراسر منطقه وجود دارد. وی معتقد اسن حملات محدود حماس به خاک اسرائیل نمی‌تواند مجازات دسته جمعی مردم فلسطین را توجیه کند. در این ساعت حساس، او از همه درخواست کرد تا قبل از اینکه خشونت جان افراد بیشتری را بگیرد و به دورتر گسترش یابد، از لبه پرتگاه عقب نشینی کنند. تور ونسلند، هماهنگ کننده ویژه روند خاورمیانه، نیز معتقد است که حمله حماس در ۷ اکتبر و عملیات نظامی مداوم اسرائیل در غزه، تلفات حیرت انگیزی بر غیرنظامیان وارد کرده است. ایشان در مصاحبه خود با رسانه سازمان ملل متحد تصریح دارد بسیاری از فلسطینی‌های آواره سرپناه داده‌اند. دبیر کل وقت با هشدار نسبت به خطر قابل توجه یک سرریز منطقه‌ای با افزایش خشونت نگران کننده در کرانه باختری اشغالی از زمان آغاز جنگ، بر لزوم پیشبرد صلح از طریق مذاکره که چشم انداز دیرینه دو کشور را برآورده می‌کند، در راستای تحقق این امر تاکید کرد.^۱

نتیجه گیری

مسئولیت کیفری رهبران سیاسی موضوعی پیچیده و مهم در قلمرو حقوق بین الملل است. رهبران سیاسی بایستی به دلیل دخالت در جنایات، به ویژه جنایاتی که در صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین المللی قرار دارند، پاسخگو باشند. این رهبران به دلیل مشارکت مستقیم در جنایات یا داشتن مسئولیت به عنوان عاملی در جنایات بین المللی با اتهاماتی روبرو شوند. به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری فردی تحت قوانین بین المللی نسبتاً جدید است و پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرده است. اکنون ثابت شده است که می‌توانند افرادی را که مستقیماً تحت قوانین بین المللی برای ارتکاب برخی جنایات جدی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل کشی مسئول کیفری شناخته شوند تحت تعقیب قرار دهند. اصل مسئولیت کیفری فردی رکن اساسی حقوق

1. See: <https://press.un.org/en/2023/sc15462.doc.htm>

کیفری بین‌المللی است. این اسناد بین‌المللی و رویه‌ها تأیید می‌کند که "جنایت علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد حقیقی انجام می‌شود، نه توسط نهادهای انتزاعی، و تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند، می‌توان مفاد حقوق بین‌الملل را اجرا کرد." انتساب مسئولیت کیفری به افراد برای جنایات بین‌المللی، چالش‌های متعددی را به همراه دارد، از جمله مسائل مربوط به مصونیت سران کشورها، مساله جمعی این جنایات و اجرای مسئولیت فردی در غیاب مکانیسم‌های اجرایی با هم‌اند. این در حالی است نوعاً مسئولیت و سهم دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم تلاش جمعی است که شامل سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان ملل می‌شود. منشور ملل متحد، به ویژه در فصل هشتم، بر اهمیت تقسیم مسئولیت‌ها در حفظ صلح و سایر فعالیت‌های مرتبط با صلح تأکید می‌کند. این چارچوب از کشورهای عضو می‌خواهد تا برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق همکاری منطقه‌ای و مشارکت شورای امنیت در تشویق چنین حل و فصل‌هایی تلاش کنند. اما امروزه در قضیه جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ فلسطین و اسرائیل شاهد حمایت‌های مستقیم برخی از رهبران سیاسی از اسرائیل هستیم که به صراحت وفق اسناد بین‌المللی استنادی حقوق بین‌المللی در غزه و اکنون رفع مرتکب جنایات جنگی شده است. با نگاهی به تحولات کنونی منطقه هم‌زمان می‌بینیم که رژیم صهیونیستی با بحران‌سازی‌های متعددی که در خاورمیانه به عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی و در عین حال استراتژیک خود تعریف کرده است، بارها ضمن حملات شدید به غزه در عین حال حملاتی به دیگر کشورهای خاورمیانه داشته است از جمله حمله به لبنان (ترورها، بمباران مناطق مسکونی و تجاری، اتفاقات مربوط به پیجرها و...)، حملات برنامه‌ریزی شده به سوریه و یمن و در برخی از مواقع حمله به منافع ایران در منطقه از این جمله تجاوزات بوده است. در نتیجه بارها سعی در گسترش دامنه میدان جنگ داشته است و در این بین متأسفانه شاهد سکوت عملی کشورهای غربی و در عین حال برخی کشورهای مدعی در جهان عرب هستیم. نکته قابل توجه اینجاست که در محاکم بین‌المللی جنایات اسرائیل و سران آن به اثبات رسیده است ولی برخی از کشورهای عربی و اسلامی همانند اردن و امارات متحده عربی و... نه تنها سیاست بیطرفی را نقض کرده‌اند بلکه به این جنایات کمک هم کرده‌اند همین باعث می‌شود مسئولیت کیفری رهبران سیاسی آنها نیز در محاکم بین‌المللی همراه با سران اسرائیل قابلیت بحث و بررسی و پیگیری را داشته باشد. اگر بخواهیم در خصوص معاونت در این جنایات

بحث کنیم، معاون جرم یا بزه در حقوق کیفری به کسی گفته می‌شود که به طور مستقیم در ارتکاب جرمی که توسط دیگری انجام می‌شود دخالتی نداشته اما به طور عالمانه از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ و... در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری و دخالت داشته‌است. به عبارت دیگر معاون جرم کسی است که پیش از وقوع یا در حین ارتکاب جرم با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده یا مرتکب (مباشر) را به ارتکاب آن برانگیخته است در قالب (تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه راه و روش ارتکاب جرم، تسهیل ارتکاب جرم) را فراهم کند بنابراین رهبران سیاسی که در تامین و ارسال جنگ افزار و تسلیحات در تجاوز اسرائیل به غزه، لبنان و فلسطین شرکت نموده و کمک می‌کنند قطعاً از طریق (معاونت در جنایات جنگی، یا استفاده از پتانسیل جنایات اقدامات مشترک مجرمانه) می‌توان این افراد را مورد تعقیب بین المللی قرار داد. پیشنهادهای که می‌توان ارائه کرد به شرح ذیل است:

- شناخت مسئولیت این رهبران در قالب اقدامات مجرمانه مشترک با الگوگیری از دادگاه تادیب جهت امکان سنجی تعقیب بین المللی امکانپذیر است.
 - حداقل شناخت معاونت در جرائم و جنایات جنگی از طریق دادگاه بین المللی کیفری ذیل مواد ۷ و ۸ اساسنامه برای افراد فوق الذکر امکانپذیر است.
- پاسخگو کردن افراد فوق الذکر از طریق مکانیسم عدالت انتقالی در خصوص معاونت در جنایات اسرائیل یکی دیگر از رویکردهای پیشنهادی در این حوزه می‌باشد

فهرست منابع

- تقی زاده سالاری، احسان، ذاکریان امیری، مهدی، برزگر، کیهان، هرمیداس باوند، داود. (۱۴۰۰). راهبرد سیاسی و امنیتی اسرائیل در قبال بحران سوریه. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۱(۱)، ص ۷۱.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۹). نکاتی درباره معاونت در جرم. فصلنامه سابق تحقیقات حقوقی آزاد، ۲(۸).
- صالحی، حمید، عبدی، میلاد. (۱۴۰۲). موانع و بحران‌های اساسی شورای امنیت در مدیریت صلح و امنیت بین المللی. مطالعات مدیریت بحران، ۱۴(۴).
- عوض پور، مهدی، بابایی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). بحران‌سازی و یارگیری راهبردی: راهبرد رژیم صهیونیستی در قبال ایران پسا برجام. مطالعات منطقه‌ای: فصلنامه اسرائیل شناسی و آمریکاشناسی، ۲۴(۳).
- قلیزاده زاوشتی، مهدی، قادری کوچکی، علی. (۱۴۰۲). کاربرد سناریونویسی در بحران‌های سیاسی - امنیتی. مطالعات مدیریت بحران، ۱۵(۱).
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). معاونت در جرم. پژوهشنامه متین، ۵(۱۸).

مطالعات مدیریت بحران

- موسوی فرد، سیدمحمدرضا، رهامی، محسن، سیدمرتضی حسینی، راحله. (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی‌رتبه سیاسی. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۳(۲).
- میرمحمدصادقی، حسین، ایزدیاری، علی. (۱۳۹۹). واکاوی وجوه اشتراک و افتراق «اقدامات مجرمانه مشترک» و «سردستگی گروه مجرمانه». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۳(۸۹).
- مظاهری، محمد مهدی (۱۴۰۳)؛ نقشه شوم اسرائیل برای منطقه و راهبردهای ایران؛ مقاله تحلیلی آنلاین شده در مورخ ۱۴۰۳/۷/۸ قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2028498>
- نائیبیان، جلیل. (۱۳۹۲). نقش اسرائیل در بحران‌های قفقاز (بررسی مناقشه گرجستان). فصلنامه علمی مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۲).
- نجفی، مهدی، اسمعیلی، علی. (۱۴۰۲). سازه‌های راهبرد امنیتی اسرائیل در بحران سوریه (۲۰۲۱-۲۰۱۱). پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۲(۱).
- ۲: منابع لاتین
- Genocide crimes against humanity and war crimes | Europol. (n.d.). Europol. <https://www.europol.europa.eu/crime-areas/genocide-crimes-against-humanity-and-war-crimes>
- Investigating war crimes: genocide and crimes against humanity. (n.d.). <https://gijn.org/resource/reporters-guide-to-investigating-war-crimes-genocide-and-crimes-against-humanity>
- Dettmer J. (2024). Israel has only weeks to defeat Hamas as global opinion sours, former PM Ehud Barak says. POLITICO. <https://www.politico.eu/article/ehud-barak-israel-palestine-war-hamas-global-opinion-sours>
- Takahashi S. J. (2024 January 17). Gaza will be the grave of the Western-led world order. Al Jazeera. <https://www.aljazeera.com/opinions/2024/1/17/gaza-will-be-the-grave-of-the-western-led-world-order>
- Public opinion | Definition, Characteristics, Examples, Polls, Types, Importance, & Facts. (2024, March 28). Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/public-opinion/Public-opinion-and-government>
- Shane Darcy(2007): Collective Responsibility and Accountability under International Law: Series: Procedural Aspects of International Law ,Volume: 27 .ISBN: 978-15-71-05376-3 , <https://brill.com/display/title/13859>
- Chantal Meloni(2020):Individual Criminal Responsibility: Available online<https://www.oxfordbibliographies.com/display/document/obo-9780199796953/obo-9780199796953-0215.xml>

- Husak D. (1989). Motive and criminal liability. *Criminal Justice Ethics* ,8(1)..
<https://doi.org/10.1080/0731129x.1988.9991846>
- Wattad M. S.-A. (2016). NATURAL PERSONS ,LEGAL ENTITIES ,AND CORPORATE CRIMINAL LIABILITY UNDER THE ROME STATUTE. *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs* ,20(2).. <http://www.jstor.org/stable/45302257>
- Jacques Delors(2024): How binding are token UN Security Council resolutions?: Online access to the analytical article: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/opinion-how-binding-are-token-un-security-council-resolutions/3184634>
- Soltani R. & Moradi M. (2017). The Evolution of the Concept of International Peace and Security in light of UN Security Council Practice (End of the Cold War-Until Now). *Open Journal of Political Science* ,07(01).. <https://doi.org/10.4236/ojps.2017.71010>
- The Editors of Encyclopaedia Britannica. (2024 ,March 13). Weapon of mass destruction (WMD) | Definition ,Types ,History ,& Facts. *Encyclopedia Britannica*.
<https://www.britannica.com/technology/weapon-of-mass-destruction>
- Reed-Schrader E. ,Hayoun M. A. ,Kropp A. M. & Goldstein S. (2023 July 17). EMS weapons of mass destruction and related injury. *StatPearls - NCBI Bookshelf*.
<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK441954>
- Purpura P. P. (2013). Life safety ,fire protection and emergencies. In Elsevier eBooks.
<https://doi.org/10.1016/b978-0-12-387846-5.00013-9>
- Bigi G. (2013). Political and Military Leaders' Criminal Responsibility before International Criminal Courts and Tribunals. In T.M.C. Asser Press eBooks
https://doi.org/10.1007/978-90-6704-894-1_46
- Hector Olasolo(January 2009): The Criminal Responsibility of Senior Political and Military Leaders as Principals to International Crimes: Edition: Studies in International and Comparative Criminal Law Series ,Vol. 4.Publisher: Hart Publishing/OxfordISBN: 978-1-84113-695-0 ,Access to the abstract online
https://www.researchgate.net/publication/315676283_The_Criminal_Responsibility_of_Senior_Political_and_Military_Leaders_as_Principals_to_International_Crimes
- Zimmermann F. (2017). Criminal liability of political Decision-Makers. In Springer eBooks. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-52051-3>
- Schmidt A. (2015 June 4). FM Lukšić: How regional organizations can Promote global peace and Security. *International Peace Institute*. <https://www.ipinst.org/2015/03/fm-luksic-how-regional-organizations-can-promote-global-peace-and-security#1>
- Tschudin A. (2018). The Role of Local Governance in Sustaining Peace (A. Trithart ,Ed.). *International Peace Institute*. <http://www.jstor.org/stable/resrep17518>

- Rincon .L. (2022 .September 21). Local governments ensuring sustainable peace. The Hague Academy. <https://thehagueacademy.com/news/local-governments-ensuring-sustainable-peace>
- <https://www.icty.org/x/cases/blaskic/tjug/en/bla-tj000303e-2.htm>
- Gal .T. (2014). Unexplored outcomes of TADI : Applicability of the Law of Occupation to war by proxy. Journal of International Criminal Justice ،12(1)..
<https://doi.org/10.1093/jicj/mqt076> <https://www.icty.org/en/press/tadic-case-verdict> -

